



مبحث دوم: آینده‌نگری

آیه محوری:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

(آل عمران، ۱۳۹)

پس از اصلاح افق، نوبت به نسبت انسان با آینده می‌رسد. این آیه، مؤمن را از سستی و اندوه باز می‌دارد و جایگاه برتر او را به شرط ایمان یادآوری می‌کند. عنوان «آینده‌نگری» جهت دهنده این حقیقت است که زندگی با امام زمان علیه السلام، بدون آینده‌باوری و امید فعال ممکن نیست. در این مبحث نشان داده می‌شود، چرا امام‌زمانی‌ها آینده را روشن می‌بینند، چرا مشکلات امروز آن‌ها را زمین گیر نمی‌کند و چگونه عدم سستی و بی‌انگیزگی، اولین ثمره زندگی با افق ظهور است.

طعم و مزه متفاوت زندگی با امام زمان علیه السلام

زندگی با امام زمان علیه السلام، یک زندگی متفاوتی است. کسی که طعم و مزه زندگی با امام زمان علیه السلام را چشیده باشد، دیگر حاضر نیست مدل دیگری زندگی کند. زندگی با امام زمان علیه السلام از جنس همان زندگی است که قرآن کریم برای ما معرفی می کند. می فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَثْنَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً

طَيِّبَةً»^۱

علامه طباطبایی رحمته الله می فرماید معنای حیات طیبه این نیست که همین حیاتی که دارد پاکیزه اش می کنم. می فرماید: «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ!» یعنی یک حیات دیگر به او می دهم! اصلاً آن حیات با این حیات فرق می کند! ^۲ انگاری یک بار دیگر به دنیا می آید! از رحم مادر طبیعت خارج می شود! دست و بالش باز می شود! نافش را از مادر طبیعت می بُرنند! راه می رود، حرف می زند، می شنود، می بیند، غذا می خورد، رشد می کند!

بعد می فرماید: «چنین انسانی در نفس خود، نور و کمال و قوّت و عزت و لذت و سروری درک می کند که نمی توان اندازه اش را معین کرد» ^۳ حد و اندازه های لذت بردن از زندگی، شادی در زندگی، احساس عزت و قدرت در

۱. نحل، ۹۷.

۲. علامه طباطبایی رحمته الله: «در جمله "فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً" حیات، به معنای جان انداختن در چیز و افاضه حیات به آن است، پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد، مثلاً حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می کند که اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد، زیرا اگر مقصود این بود کافی بود که بفرماید: "ما حیات او را طیب می کنیم" ولی اینطور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم.» (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۴۹۱).

۳. همان.

این زندگی بسیار متفاوت از وضعیت موجود ماست. زندگی امام زمانی، چنین زندگی است.

نیاز به زندگی با امام زمان علیه السلام را در وجود خودت کشف کن

ما وقتی بدون امام زمان علیه السلام زندگی می‌کنیم، در واقع این زندگی نیست، مردگی است. باید نیاز خودمان را به زندگی امام زمانی و زندگی با امام زمان علیه السلام را کشف کنیم. خیلی‌ها، اصلاً به زندگی با امام زمان علیه السلام فکر نمی‌کنند. غرق یک زندگی حداقلی هستند و اصلاً هوس چنین زندگی را در دل و ذهن خودشان ندارند.

اگر هوس و هوای چنین زندگی در سر داشتیم دیگر نمی‌توانستیم بدون امام زمان علیه السلام زندگی کنیم، نفس بکشیم. مثل امام صادق علیه السلام، که یاران خصوصی حضرت می‌گویند آمدیم خانه امام صادق علیه السلام دیدیم حضرت فرش حجره را کنار زده، بر خاک نشسته، لباس عزادارها به تن کرده، «وَهُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِدِ الْكَلْبِيِّ ذَاتِ الْكَفِّ الْحَرِيِّ»، گریه می‌کند، شبیه گریه کردن مادر داغ دیده و سینه سوخته و جگر آتش گرفته برای فرزندش که از دست داده است. ببینید این حال حضرت است. چشم‌های حضرت مثل چشمه پر از اشک است، حالا چه می‌فرماید:

«سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَ صَيَّقْتُ عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَرَزْتُ مِيَّ رَاحَةَ فُؤَادِي؛ آقای من! غیبت تو خواب را از چشمانم ربوده، بستر آرامشم را تنگ کرده و آسایش دلم را از من گرفته است.»^۱

این وضعیت، وضعیت کسی است که بدون امام زمان علیه السلام نمی‌تواند زندگی کند. تازه حضرت خودش امام زمان خودش است. امام حی و حاضر است، برای امامی که هنوز به دنیا نیامده این طوری ضجه می‌زند.

شهیدی که امام زمانی زندگی کرد

در بین شهدای ما، بعضی‌های خیلی امام زمانی زندگی کردن، البته همه شهدا اثبات کردند که امام زمانی زندگی کردن، ولی بعضی‌ها خیلی

۱ . کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۳.

متفات تر بودند. شهید رضا پناهی از آن شهدای خاص در این زمینه بود. به معنای واقعی کلمه امام زمانی زندگی کرد و تشنه زندگی با امام زمان علیه السلام بود.

مادرش می گوید: «قبل از اینکه رضا را باردار شوم به زیارت امام رضا علیه السلام رفتم. اولین سفر مشهدم بود. وقتی به زیارت رفتم، از امام رضا علیه السلام خواستم واسطه شود تا خدا به من فرزندی هدیه کند که در راه خدا فدا شود. وقتی از مشهد برگشتم، خیلی نگذشته بود که متوجه شدم باردارم. اسمش را رضا گذاشتم چون عاشق امام رضا علیه السلام بودم و رضا را از امام رضا علیه السلام گرفتم.» در احوالات این آقا زاده، مادر می گوید: «راجع به امام زمان علیه السلام زیاد سؤال می کرد. می پرسید: چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی کند؟ دعای فرج را بهش یاد دادم که برای آمدن حضرت بخواند.» در وصیت نامه اش می نویسد:

«من عاشق خدا و امام زمان علیه السلام گشته ام و این عشق هرگز با هیچ مانعی از قلب من بیرون نمی رود، تا اینکه به معشوق خود؛ یعنی «الله» برسم.»^۱

بنابراین زندگی با امام زمان علیه السلام، حال و هوای متفاوتی دارد. باید آن را هوس کنیم. دلمان هوایی بشود. مثل این عارف ۱۲ ساله، دنبال حضرت بگردیم. این تشنگی این عطش مقدمه است. عطش زندگی با امام زمان علیه السلام، بعد دیگر آدم شب و روز ندارد.

بسیاری از تنبلی ها، بی انگیزه گی ها به خاطر این است که اهداف کوچک، ما را راضی نمی کند، هدف بزرگتری باید در سر داشته باشیم. علاقه و میل به زندگی با امام زمان علیه السلام، از جنس اهداف بزرگ است و آدم های بزرگ دنبال هدف های بزرگ می روند، نه آدم های حداقلی. جامعه ای که بزرگ شده است، دنبال هدف های بزرگ می رود و چه هدفی بزرگتر از زندگی

^۱. روزنامه کیهان، عارف ۱۲ ساله ای که مادرش دو روز بعد از تولد صحنه شهادتش را در عالم بیداری دید، دسترسی در:

با امام زمان علیه السلام. خواهش می‌کنم مادران محترم! بچه‌ها را به عشق این هدف بزرگ مثل مادر شهید رضا پناهی تربیت کنید.

آینده نگر و آینده ساز؛ شاخص زندگی با امام زمان علیه السلام

یکی دیگر از ویژگی‌های زندگی با امام زمان علیه السلام، این است که کسی که دنبال زندگی با امام زمان علیه السلام می‌گردد، به شدت آینده‌نگر و آینده‌ساز است. آینده برای او مهم است. چون قرار است برای این امام از امروز، فردای ظهور را بسازد.

آدم‌های حداقلی، دنبال امروز خودشان هستند. اما آدم‌های حداکثری دنبال فردای خودشان هم هستند. امروز تلاش می‌کند تا فردا را بسازد. فردا حاصل تلاش امروز تو است.

چگونه فرزندان خودمان را آینده نگر و علاقمند به آینده تربیت کنیم؟

ما می‌خواهیم بچه‌های خودمان را امام زمانی تربیت کنیم؟ چگونه؟! مدرسه‌ای که در آن مدرسه یاران امام زمانی تربیت می‌کند، چه مدرسه‌ای هست؟ مدرسه‌ای است که به بچه، توجه به آینده می‌دهد. این یکی از پایه‌های زندگی با امام زمان علیه السلام است.

معلم شاگردان خودش را در کلاس جمع کند، یک موضوع را مطرح کند و بگوید بچه‌ها حدس بزنید، در آینده این موضوع چه اتفاقی برسرش خواهد افتاد؟ بچه‌ها عاشق پیش‌بینی کردن هستند. دیدید در مسابقات فوتبال، می‌خواهد نتیجه را حدس بزند، یا در فیلم‌ها دیدید بچه‌ها به آینده سفر می‌کنند. علاقه به آینده، یک علاقه عمیق در دل ماست. فقط کافی است که برای شکوفایی چنین استعدادی برنامه‌ریزی و طراحی کنیم از خانه تا مدرسه.

از طرف دیگر یک میلی در بچه‌ها هست که معمولاً اسیر آن هستند، آینده برایشان چندان مهم نیست. گاهی رفتار ما پدر و مادرها و مدارس ما این روحیه را به شدت تقویت می‌کند.

خدا می‌داند چقدر ضربه می‌زند جایزه فوری دادن به بچه‌ها، حتی تنبیه کردن فوری هم گاهی اثر عکس دارد. عروسک را دورتر بخر. یعنی دیرتر. بین چند انتخاب دخترت را قرار بده، بگو دخترم الآن این عروسک ارزان را برای تو می‌خرم، یک ماه بعد آن عروسک گران‌تر را که دوست داری کدامش را می‌خواهی؟ بگذار گزینه آینده و رهایی از الآن برای او فعال شود. بچه‌های کوچک پا به زمین می‌کوبند؛ می‌گویند الآن الآن. ولی وقتی بزرگ شدن، می‌گویند باشد فردا/فردا برایم بخر، ولی آن بهتر را. این یک مدل تقویت علاقه به آینده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«أَعْقَلُ النَّاسِ أَنْظَرُهُمْ فِي الْعَوَاقِبِ»^۱

عاقل‌ترین انسان‌ها کسانی هستند که عاقبت دور را نگاه می‌کنند. همه نمی‌توانند عاقبت دور را ببینند!

قرآن کتاب آینده‌نگری؛ دعای عهد، از جنس آینده‌نگری و علاقه به آینده

قرآن کتابی است که دائم انسان را به آینده می‌برد به دورتر می‌برد، دورتر گاهی گذشته است و گاهی آینده. در وسط جنگ، خدا آدم را می‌برد به آینده دور یا نزدیک؛ فرقی نمی‌کند. وقتی مؤمنان دل نگران از رسیدن نصرت الهی هستند یا منتظر رسیدن آن. خدا می‌فرماید:

«أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ»^۲

زندگی با امام زمان علیه السلام از جنس آینده‌نگری است. تو را می‌برد به آینده. دعای فرج، تو را می‌برد به آینده. همچنین دعای عهد؛ در دعای عهد چه می‌خوانیم؟ هر فرازی آینده را به تو نشان می‌دهد. آینده با بقية الله الاعظم علیه السلام را برای بازگو می‌کند. بعد آخرش چه می‌گویی؟ «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً»^۳ کافران آمدن تو را دور می‌بینند ولی من آمدن تو را نزدیک می‌بینم. آینده دور از دسترسی نیست؛ در نظر من ظهور در آینده‌ی نزدیک است.

۱. غرر، ص ۵۲.

۲. بقره، ۲۱۴.

۳. المزار ابن مشهدی، ص ۶۶۵.

به نظرم یکی از مهم‌ترین اثرات تربیتی دعای عهد که فرمود چهل صبح بخوانید در زمره یاران امام زمان علیه السلام خواهید شد، دقیقاً همین آینده‌نگری است.

آینده را باید از امروز ساخت

وقتی نسبت به آینده علاقه‌مند شدی، آینده را دیدی، حالا برای ساخت آینده طراحی می‌کنی، چرا که آینده خودش ساخته نمی‌شود، آینده با اراده امروز من و شما ساخته می‌شود. فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!»^۱

این سرنوشت، یعنی آینده من و شما. چیزی که برای ساخت آن، امروز باید بجنگی.

وقتی حضرت موسی علیه السلام فرمود:

«يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ؛» «ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید!»^۲
حضرت موسی علیه السلام یک آینده روشن را به بنی اسرائیل نشان داد. آن آینده روشن این است که این سرزمین مقدس را خدا برای شما سندش را زده است. دیگر نباید بنی اسرائیل حرف می‌زدند. ولی چه گفتند:
«يَا مُوسَى إِنَّا لَنُذْخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛» «ای موسی! تا آن دشمنان در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همین جا نشسته‌ایم!»^۳

ببین حاضر نشدن بروند آینده را بسازند، گفتند تو و خدایت بروید و این آینده قشنگ را برای ما بسازید. خدا چه کرد؟ به آنها فرمود که حالا حاضر

۱. رعد، ۱۱.

۲. مائده، ۲۱.

۳. مائده، ۲۴.

نیستید آینده را بسازید به تعبیر بحث ما؛ چهل سال شما دور خودتان بگردید و در جا بنزید.^۱ خیلی عذاب عجیبی است. در جا زدن. صبح بروی تا شب راه بروی دوباره سر جای اولت. یعنی خدا انگار می خواهد بگوید تو لیاقت فردا و آینده را نداری همین جا حبست می کنم. آینده با همه مختصاتش، از سرزمین بگیر تا ...

بنابراین آینده خودش ساخته نمی شود، آینده حاصل اراده امروز من و شماست. بد یا خوب. تنبلی یا تلاش و کوشش. تو بگو کدامش را انتخاب کردی، من بگوییم آینده تو چگونه است؟ البته واقعاً بخشی از آینده برای ما مبهم است. اصلاً دست ما نیست. ولی بخش قابل توجهی از آن دست من و شماست.

آینده امام زمانی ها؛ روشن یا مبهم؟

حالا این آینده برای ما امام زمانی ها، چگونه است؟ روشن یا مبهم؟ خدا برای امام زمانی ها، یک آینده روشن را ترسیم کرده است؛ همان آیه که بدان پرداختیم، آینده روش ما، «نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵) است. یعنی وارثان قدرت و ثروت در زمین. یا فرمود:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ»؛ «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید»^۲

این آینده تمام کسانی است که امام زمانی زندگی می کنند. ما امام زمانی ها قرار است حاکمان روی زمین باشیم، این نقشه راه را قرآن به دست شما داده است.

۱. مضمون آیه «قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (مائده، ۲۶)

۲. نور، ۵۵.

با کدام امام زمان زندگی می‌کنیم؛ امام زمان توهّمی یا واقعی؟

بعضی‌ها تا می‌گویند با امام زمان علیه السلام زندگی کن، یا زندگی با امام زمان علیه السلام را معرفی می‌کنی، می‌روند در لاک فردیت خودشان، علاقه شخصی من به امام. بروم یک گوشه با حضرت خلوت کنم و دل بدهم و قلوه بگیرم. حالا حضرت به آنها بفرماید حالا برویم جهان را نجات دهیم. احتمالاً بگویند اجازه بدهید، فعلاً مشغول شما باشیم. باشد تو مشغول باش ولی من نمی‌توانم مشغول تو باشم. من رفتم برای نجات جهان، ولی من تنهایی نمی‌روم با عده‌ای می‌روم که مثل من می‌خواهند دنیا را نجات بدهند. حاضر هستی بیایی؟

ما کجای این داستان هستیم؟ با کدام امام زمان زندگی می‌کنیم؟ امام زمان خیالی یا امام زمان واقعی. امام زمان واقعی که خیلی سیاسی است. پدر همه سیاست‌مداران کلاش جهان را در می‌آورد، کمر آمریکا و اسرائیل را می‌شکند. تو می‌توانی با این امام زمان علیه السلام زندگی کنی؟

مفضل از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید؛ با امام صادق علیه السلام در طواف بودم که نگاه کرد به من و فرمود: ای مفضل تو را چه شده که غصه دار و محزونی و رنگ صورتت تغییر کرده؟ عرض کردم: فدایتان شوم نگاه می‌کنم به بنی‌عباس و این ملک و سلطنتی که دست آنهاست با خود می‌گویم اگر این سلطنت برای شما بود، ما هم در این حکومت همراه شما بودیم.

فَقَالَ: يَا مُفَضَّلُ أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سَيَاسَةُ اللَّيْلِ؛ حضرت فرمود: ای مفضل بدان اگر اینچنین شود و حکومت دست ما بیاید شما باید شب زنده‌داری کنید (یعنی اینکه در شب مشغول برنامه‌ریزی و تدبیر امور مردم بودن) وَ سَبَاحَةُ النَّهَارِ و در روز درگیر کار و امور مهمه مردم و رفع مشکلات آنان باشید وَ أَكُلُ الْجَشَبِ و غذای ضمخت و ناگوار بخورید وَ لُبْسُ الْحَشَنِ شَبَهَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام و

لباس زبر و ناگوار بپوشید همانند امیرالمؤمنین (علیه السلام) وَ إِلَّا فَالْتَأَرْ اِگر
اینچنین نباشید جایگاهتان آتش است.»^۱

پس ببینید زندگی با امام زمان (علیه السلام)، یک شاخص‌هایی دارد، باید آن را
در خودمان یا در جامعه خودمان ایجاد کنیم، اگر هست، تقویت کنیم،
وگرنه توهم می‌زنیم. یکی از شاخص‌ها، جهانی اندیشیدن است، یکی دیگر
از شاخص‌ها، آینده‌نگری است. حالا شما امام زمانی هستی، آینده را چگونه
می‌بینی؟ آینده روشن است یا مبهم. آینده از آن شماست یا دشمنان شما؟

بعضی‌ها رسماً آینده را تاریک می‌بینند

بعضی‌ها رسماً آینده را تاریک می‌بینند، این تاریک دیدن، تاریک دیدن، به
خاطر تاریکی و تاری و پودی است که در دل آنها وجود دارد؛ آن وقت اینها
چقدر با امام زمان (علیه السلام) فاصله دارند؟

آینده برای امام زمانی‌ها روشن هست چه آن را ببینیم یا نبینیم، این
واقعیت تغییر نمی‌کند. آیه روی آیه خواندیم که آینده از آن امام زمانی‌ها
هست. فقط دیر و زود دارد، دیر و زود آن هم بستگی به میزان آمادگی ما
دارد. چقدر آماده‌ای امروز آینده را بسازیم.

وقتی شما آینده را روشن دیدید، دیگر مشکلات امروز تو را نگران نمی‌کند
بعد وقتی شما آینده را روشن دیدی، دیگر مشکلات امروز تو را نگران
نمی‌کند. چیزی که تو را نگران می‌کند، کم‌کاری‌های تو است. این به آینده
ضربه می‌زند، نه مشکلات و گرفتاری‌های امروز. مسیر ساخت آینده اتفاقاً
یک مسیر پرفراز و نشیب است، اگر برای عبور از آن نجنگی، آینده روشن
از آن تو نیست، آینده از آن کسانی است که حاضرند با مشکلات امروز برای
ساخت آینده بجنگند. فرمود:

«وَ اِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا اَمْثَالَكُمْ» ؛ و هر گاه
سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آنها
مانند شما نخواهند بود.»^۲

۱. الغیبه نعمانی، ص ۲۸۷.

۲. محمد، ۳۸.

خدا جایگزین شما، بسیار دارد، خدا معطل ما که نمی ماند، اگر آمدی پای طرح امام زمانی خدا، خدا تو را در این مسیر امام زمانی کمک می کند. وگرنه جایگزین شما بسیار هستند.

پس یکی از مهم ترین آثار دیدن آینده، محکم شدن امروز است. فرمود:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱

این آیه یعنی سست نشوید، یکی از معانی سست نشدن یعنی انگیزه خودتان را از دست ندهید.

بعضی از انقلابی ها، بعضی از مردم، انگیزه خودشان را از دست داده اند، شبیه ضعیف الایمان های دوران حضرت موسی علیه السلام که هیمنه دشمن را دیدند و گفتند: «إِنَّا لَمُذْرُكُونَ»^۲ حضرت موسی علیه السلام با عزم قوی، چون نقشه راه دستش است، هیبت و هیمنه دشمن او را نمی گیرد پاسخ قاطعانه می دهد: «قَالَ كَلَّا» چرا حضرت موسی علیه السلام شما آینده را روشن می بینی، چرا آنها از حال ناامید هستند، شما کجا را می بینی؟ ادامه آیه توضیح می دهد: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»^۳؛ خدا با ماست، راه را نشان می دهد.^۴

این یعنی نقشه راه دست من است، با خدا قدم می زنیم در این مسیر. طبق نقشه راه می رویم.

عدم سستی و بی انگیزگی؛ اولین اثر روشن دیدن آینده توسط امام زمانی ها

پس اولین اثر روشن دیدن آینده توسط امام زمانی ها، عدم سستی و بی انگیزگی برای ساختن فردای ظهور است. اگر انقلاب اسلامی، در طرح ظهور نقش آفرین است، اندازه های این نقش آفرینی ببینید کجاست؟

امام علیه السلام مردی است که نه تنها خودش امام زمانی زندگی کرد بلکه جامعه را به سمتی برد که امام زمانی زندگی کند، طرح خدا در ظهور را با جامعه

^۱ . آل عمران، ۱۳۹.

^۲ . شعرا، ۶۱.

^۳ . شعرا، ۶۲.

^۴ . همان.

ایران راه انداخت. خدا نمی گذرد از جریانی که حاضر است صدبار بگوید «اللهم عجل لولیک الفرج» ولی یکبار حاضر نیست برای انقلاب امام زمان علیه السلام و انقلاب امام زمانی دعا کند. تو این رابطه و پیوند عمیق را ندیدی؟ پس چه دیدی؟! کدام عامل، مؤثرتر از انقلاب اسلامی در تعجیل فرج نقش داشته است؟ بشمار.

موازنه قدرت را در عالم چه جریانی جز جریان انقلاب اسلامی به نفع امام زمان علیه السلام بهم زده است؟

آینده انقلاب اسلامی روشن است، چون در طرح ظهور و نقشه راه ظهور قدم می زند که آن روشن است. پس نباید سختی ها و مشکلات انگیزه ما را کم کند. همین دستور صریح قرآن به ماست.

غصه ی بی جا ممنوع!

بعد می فرماید: «وَلَا تَحْزَنُوا» یعنی غصه نخورید، یادمان نرود که این آیات بعد از شکست ظاهری در اُخْد نازل شده است. تکلیف مسلمانان را مشخص می کند. چرا غصه می خورید؟ شکست خوردید، از این شکست ظاهری درس بگیرید برای آینده، بعدا هم نگران نباشید شکست خواهید داد. نه از شکست خوردن بترسید و نه از اینکه در آینده شکست خواهید خورد. حالا چرا؟

فرمود: «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ یعنی همیشه دست برتر با شماست اگر به خدا و مسیری که انتخاب کردید اعتماد و ایمان بیاورید. شک و تردید نکنید که آینده از آن شماست. سستی نکنید و غم و غصه بی جا نخورید. ریشه ی این برتری در درختی است به نام اعتماد به خدا. چه کسی سست نمی شود؟ چه کسی غم و غصه به دل راه نمی دهد، وسط مشکلات می ایستد و می گوید ما به قله ها نزدیکم؟

کسانی که با امام زمان علیه السلام زندگی می کنند، آینده را مثل آینه شفاف می بینند، در آن آینده چه خبر است؟ فرمود:

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۱؛
«زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگان که بخواهد،
واگذار می‌کند؛ و آینده از آن اهالی تقوا است!»^۱

آینده از آن ماست اگر در این مسیر قدم بزنیم. چقدر این حرف را باور داریم؟ به همان اندازه برتری داریم.

امروز اگر برتری در این عالم برای حق و حقیقت است به خاطر این است که در این مسیر سختِ آینده ایستاده است. زحمتش را به جان خریده است. زندگی امام زمانی، یعنی همین. آینده را روشن بینی، از امروز برای ساخت فردا عرق بریزی و از کمبودها و کسری‌ها سست نشوی و غصه نخوری. مطمئن باشی خدا با ماست، آن وقت آینده از آن تو خواهد بود. امیدوارم این مسیر امام زمانی که شهدا برای ما باز کردند، خط ظهور را بگیریم تا خیمه بقية الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه)؛ نه سست شویم نه غمگین.

وقتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) از علی بن مهزیار (همان آقایی که مشرف شده بود به خیمه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه)) پرسید چرا دیر آمدی؟ گفت آقا کسی را پیدا نکردم مرا به خیمه شما برساند حضرت به او فرمود: نه، مسئله این نیست، شما مأموریت‌های خودتان را درست انجام ندادید، که حالا حضرت آن مأموریت‌ها را می‌شمارند.^۲ خدا کند علت تأخیر در ظهور، تعلل و کم کاری ما در مسیر ظهور نباشد.

۱. اعراف، ۱۲۸.

۲. دلائل الامامة، ص ۵۴.